

مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم

عباس عبدی

مفهوم ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم به نحو مشهودی با موقعیت و ارزیابی هزینه و فایده فرد بستگی دارد. زندان به عنوان اصلی‌ترین شیوه مجازات فرد مجرم یکی از اقسام عمده و رسمی هزینه ارتکاب جرم است، که در عین حال متضمن آسیب‌ها و صدمات اجتماعی گوناگونی از قبیل از دست دادن شغل، طرد اجتماعی، کاهش منزلت اجتماعی و... می‌باشد. از سویی، بین اولین مرتبه زندانی شدن فرد و دفعات دیگر، یادگیری شگردهای خاص ارتکاب مجدد جرم، آشنایی با افراد جدید، و فرار از مجازات‌های قانونی و چگونگی تأثیرات یاد شده رابطه وجود دارد و به عوامل گوناگونی از قبیل شرایط داخلی زندان، امکانات و مدیریت زندان و متغیرهای فردی بستگی دارد. با شرایط حاضر تضاد بین ممانعت از ارتکاب جرم از طرف مردم عادی یا تأثیر در مجرم و تلاش در جهت هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در زندان، امکان‌پذیر نیست. مگر آن‌که راهکارهای جدیدی در این زمینه ارائه شود.

مقدمه

یکی از اهداف مجازات اصلاح مجرم به نحوی است که مجدداً مرتکب جرم نشود. از آنجایی که زندان اصلی‌ترین مجازات جهان امروز است، با بررسی میزان و چگونگی تحقق این هدف در مجازات زندان می‌توان در به کارگیری صحیح این مجازات کمک کرد. اهمیت موضوع هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم، در بسیاری از جوامع، تعداد مطلق و حتی نسبی زندانیان به مرور زمان در حال افزایش است (گسن، ۱۳۷۱: ۲۸۵). مثلاً در ایران، در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۶،

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۱، ص. ۷۷-۹۱

تعداد زندانیان ۷ برابر شده، یعنی از حدود ۲۲۴۰۰ نفر به ۱۵۶/۶۰۰ نفر افزایش یافته و این در حالی است که جمعیت کشور طی این مدت فقط ۵۵ درصد افزایش داشته است. اگر افزایش تعداد زندانیان را به نسبت رشد جمعیت تعدیل کنیم، با فرض ثبات جمعیت در ۱۶ سال مذکور، ۳۵۰ درصد بر تعداد زندانیان افزوده شده است. در صورتی که تعداد واردشدگان به زندان‌ها را در یک سال در نظر بگیریم، در سال ۱۳۷۶، حدود ۴۹۰,۰۰۰ نفر پایشان به زندان کشیده شده است، و با توجه به متوسط تعداد زندانیان کشور، در هر سال، حداقل ۶۰۰,۰۰۰ نفر زندانی در زندان‌های کشور به سر می‌برند. به تعبیر دیگر، از هر صد نفر افراد کشور در سال یک نفر زندانی می‌شود و اگر فقط افراد بزرگسال را در نظر بگیریم، در هر سال، از هر ۵۰ نفر یک نفر چنین وضعی پیدا می‌کند. یعنی، به‌طور کلی، به ازای هر ۴۰۰ نفر جمعیت کشور یا از هر ۸۰ خانوار در هر لحظه یک نفر در زندان‌های کشور است!

ادامه این روند نه تنها به لحاظ مالی ممکن نیست، بلکه به لحاظ اجتماعی نیز آثار گسترده و مخربی دارد، به‌ویژه اگر تأثیر محیط زندان در زندانیان تشدیدگرایش به ارتکاب جرم باشد، در این صورت، می‌توان تصور کرد که با این تعداد زیاد زندانی، برخلاف اهداف مشروع اجتماعی، گام برمی‌داریم. در مقاله حاضر با تکیه بر یافته‌های پژوهشی پیمایشی تلاش شده تأثیرات زندان بر زندانی، از حیث کاهش یا افزایش گرایش فرد به ارتکاب مجدد جرم، توضیح داده شود.

مجازات زندان

اگرچه زندان از گذشته‌های دور وجود داشته، از قرن ۱۹ به بعد اصلی‌ترین شکل مجازات شده است. این تحول شکل در مجازات تا حدود زیادی ناشی از تغییر در اولویت‌های اهداف مجازات یا تکمیل این اهداف است.

در نظام کیفری قدیم تنها هدف مجازات ایجاد رعب و وحشت بود، به همین دلیل مجازات‌ها بیشتر به صورت زجر دادن در منظر عموم بود و مجازاتی که همگان شاهد آن نبودند معنایی نداشت (فوکو، ۱۳۷۸: ۷۵-۷۴)، اگرچه این نحوه مجازات از منظر دورکیم بیش از آن که کارکرد رعب و وحشت داشته باشد، ناظر به تأمین هدف دیگری است که همان تقویت همبستگی اجتماعی از طریق ارضای وجدان جمعی است (آرون، ۱۳۶۳: ۲۲). بنابراین، هر قدر وجدان جمعی قوی‌تر باشد، خشم عمومی بر ضد جرم حادثتر است (همان: ۱۹) در این نظام کیفری، زندان جایگاه ویژه‌ای ندارد و طبعاً مجازات‌ها، علی‌الاصول، بدنی و تعذیبی‌اند، و حتی

۱. آمار و اطلاعات مربوط به تعداد زندانیان در سال‌های قبل، از کتاب *تأثیر زندان بر زندانی* نویسنده و آمار سال‌های اخیر، با استناد به گزارش‌های منتشر شده از طرف سازمان زندان‌ها اخذ شده است.

عنصر تعذیب یک رکن مجازات است. به طوری که قتل مجرم همراه با مراسم تعذیب است و کمتر به قتل عادی وی اکتفا می شود.

در مراحل بعد، موقعیت ارتکاب جرم و شخصیت مجرم نیز اهمیت یافت، از این زاویه هدف و کارکرد مجازات آن است که نه تنها در بزهدار شوق زندگی را برانگیزاند، بلکه به او توان زندگی کردن دهد (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۹). لذا در نظام جدید درباره فایده کیفر برای جامعه و فرد مجرم چون و چرا می شود. اگرچه هیچگاه نخستین هدف مجازات و نیز پیشگیری از وقوع جرم فراموش نشد، هدف اخیر نیز به آن اضافه گردید. در این نظام، تنبیه دو تغییر مهم می کند: اول این که متوجه جسم و بدن نیست، بلکه قلب و اندیشه و اراده و امیال هدف قرار می گیرد، دوم این که در منظر عام صورت نمی گیرد و مردم از صحنه مجازات غایب شده اند. به همین دلیل، در این نظام زندان، که آزادی فرد را سلب می کند، شیوه اصلی تنبیه شناخته شده است و مجازات بدنی و از جمله اعدام در بسیاری از کشورها لغو شده یا در عمل اجرا نمی شود (آنسل، ۱۳۵۶: ۲۰).

اهداف دوگانه ای که برای مجازات زندان منظور می شود، یعنی زندان برای مجازات و زندان همچون شیوه اصلاحی، به ندرت با یکدیگر جمع شده اند، چراکه زندان، به دلیل ساختارش، معمولاً غیر عادلانه با زندانی رفتار می کند و، در نهایت، موجب افزایش کینه زندانی نسبت به عدالت و قانون می شود و حتی ممکن است موجب بیگانگی بیشتر فرد با جامعه و در نتیجه مقدمات افزایش ارتکاب جرم شود. به قول فوکو، به جای آن که زندان برای اجرای قوانین و آموزش احترام به قوانین در نظر گرفته شود، تمامی عملکرد آن بر وجه سوء استفاده از قدرت جریان پیدا می کند (فوکو، ۱۳۷۸: ۳۳۲). به عبارت دیگر، می توان گفت که زندان موجب تشدید آنچه لمرت انحراف ثانویه می نامد (ورسلی، ۱۳۷۸: ۵۳۹-۵۳۵) می گردد. دلیل اصلی این ناکارآمدی برای اصلاح زندانی در ماهیت اساسی زندان نهفته است که در آن وظیفه نگهبانی مقامات زندان بر سایر اهداف ترجیح دارد، و زندان به تعبیر گافمن مؤسسه ای تام^۱ است، یعنی محل اقامتی است که در آن زندانیان برای مدت معینی از عمر خود زیر نظارت تقریباً مطلق مقامات اداری قرار دارند. گافمن استدلال می کند که ماهیت اساسی مؤسسه تام به گونه ای است که مشکلات موجود ساکنان خود را تشدید می کند و در درازمدت مسئولیت های اجتماعی بهنجاری را که بر عهده آنان است دشوارتر می نماید (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۹۰). دوگانگی مذکور خود را به گونه دیگری نیز نشان می دهد. اگر زندانها برای افراد به صورت

1. total institution

مکان‌هایی ناخوشایند درآیند، احتمالاً به بازداشتن متخلفان بالقوه از ارتکاب به جرم کمک می‌کنند. اما دستیابی به هدف‌های بازپروری از زندانی شدن زندانیان را بی‌نهایت دشوار می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۵۲)، درواقع، شاید بتوان گفت که دستیابی به دو هدف اصلاح و مجازات، به‌طور همزمان، در عمل ممکن نیست (فتاح، ۱۳۷۱: ۸۸). حتی برخی تحقیقات اخیر در پی اثبات این هستند که تدابیر اصلاحی-درمانی، در مقایسه با اجرای مجازات‌های کلاسیک، نتایج بهتری در زمینه پیشگیری از تکرار جرم به دست نمی‌دهد (گسن، ۱۳۷۱: ۳۰۷ به بعد؛ کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۵۱) از این‌رو، برخی دیگر از این تفکر دفاع می‌کنند که اصلاح زندان باید همچون هدفی جنبی، ولی مطلوب، باقی بماند، زیرا اگر هدف اصلی مجازات در نظر گرفته شود، نظریه اصلاح خدشه‌دار می‌شود و به نتایج مطلوب نخواهد انجامید (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۵۳).

به همین دلیل، در دهه‌های گذشته، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، دیدگاه جدیدی با عنوان جنبش دفاع اجتماعی تقویت شده است. این دیدگاه در نقد نظام موجود کیفری و مخالفت با تکیه صرف بر جنبه حقوقی کیفر شکل گرفته است (آنسل، ۱۳۶۶: ۴۳). حتی برخی خواهان تغییر عنوان قانون کیفری به دفاع یا حمایت اجتماعی و طالب متروک شدن لفظ کیفر شده‌اند (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۰: ۱۳۴). در نتیجه این دیدگاه‌هاست که اکنون شیوه‌های جدید کیفری از قبیل حبس خانگی، آزادی با قید التزام، محکومیت تعلیقی، امکان مرخصی‌های زیاد و... رواج بیشتری پیدا کرده است. ضمن این‌که به مسئله جرم‌زایی زندان همچون موضوع مهمی در مطالعات آسیب‌شناسانه توجه شده است و قسمتی از دستور کار کنگره مهم جرم‌شناسی ۱۹۵۰ پاریس را به خود اختصاص داده است (آنسل، ۱۳۶۶: ۹۷).

چارچوب مفهومی

برای درک تأثیر زندان در ارتکاب مجدد به جرم، لازم است که اولاً، دیدگاه خود را درباره مبانی و علل بروز رفتار مجرمانه مشخص کنیم؛ ثانیاً، عوامل و متغیرهای اصلی زندان را بشناسیم؛ سپس تأثیر این عوامل را در آن مبانی و علل بروز رفتار مجرمانه مجدد در فرد زندانی تعیین کنیم.

فرض اساسی تحقیق حاضر این است که رفتار مجرمانه رفتاری عقلانی است. این فرض را در مورد ارتکاب مجدد جرم پس از زندان بیشتر می‌توان پذیرفت، زیرا اولین جرم ممکن است «واکنشی» باشد، ولی در ادامه احتمالاً تبدیل به «کنش» می‌شود و تحت تأثیر «موقعیت» اجرا می‌شود. بر این مبنا، چنین نیست که افراد صرفاً به سوی فعالیت‌های

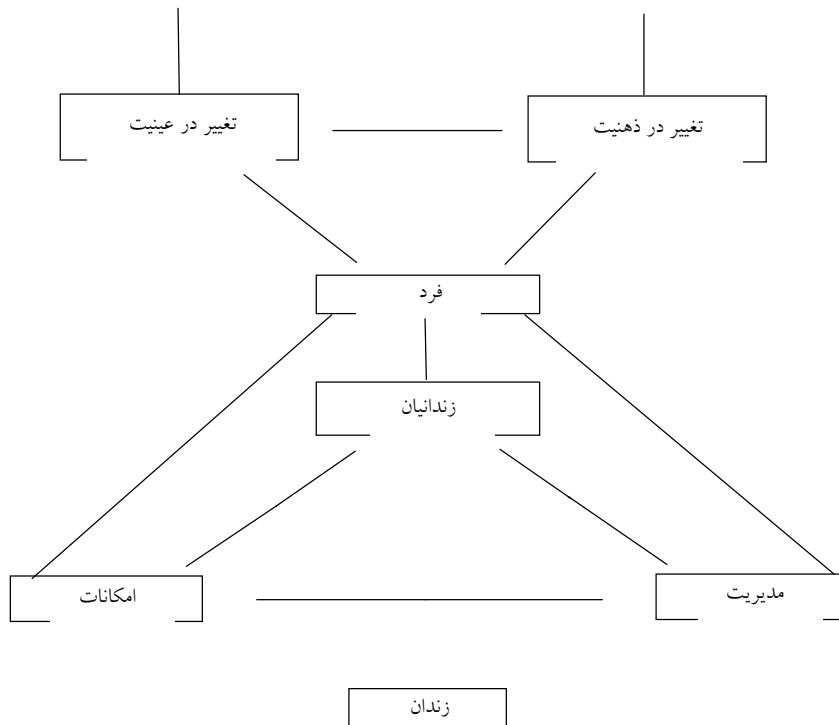
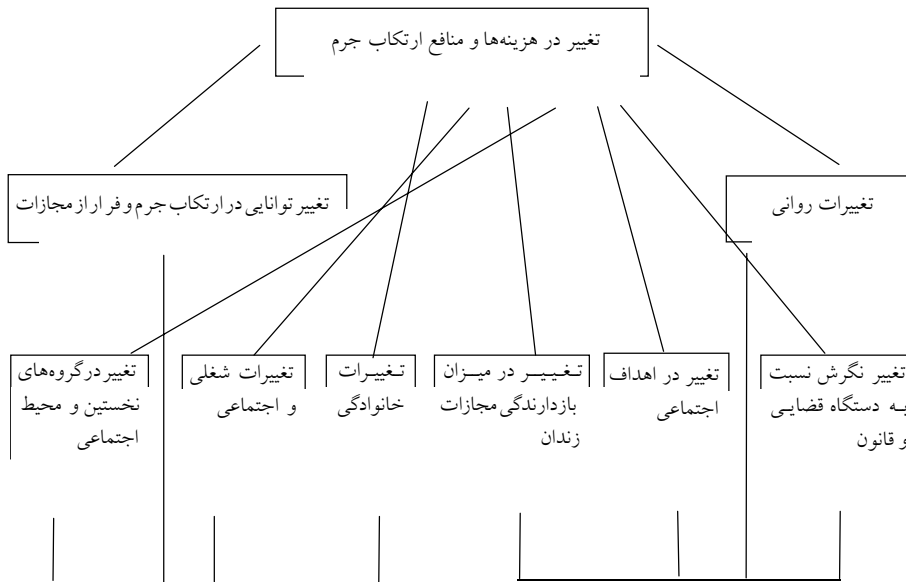
تبهکارانه رانده شوند، بلکه فعالانه دست زدن به این اعمال را انتخاب و فکر می‌کنند که ارزش خطر کردن را دارد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۵) بنابراین، باید منافع و هزینه‌های ارتکاب جرم را از دیدگاه عامل رفتار، شناسایی و سپس تعیین کرد که زندان چه تغییری در منافع و هزینه‌های مذکور ایجاد می‌کند و آیا سود یا زیان خالص را برای ارتکاب جرم افزایش می‌دهد یا کاهش؟

به‌طور کلی، عواملی که موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم می‌شوند دو دسته‌اند: عواملی که منافع خالص ارتکاب جرم را افزایش می‌دهند و عواملی که از هزینه‌های خالص آن می‌کاهند، و، در نتیجه، «موقعیت» فرد را به سوی ارتکاب جرم تغییر می‌دهند. این عوامل را می‌توان از جهت دیگری نیز به دو گروه عوامل ذهنی و درونی و عوامل عینی و بیرونی تقسیم‌بندی کرد.

عوامل ذهنی و درونی در برگیرنده مواردی است مانند بی‌اعتمادی به قانون حاکم و دستگاه قضایی، بی‌اهمیت جلوه کردن مجازات زندان که بناست عامل بازدارنده باشد و اکتساب توجیهاتی منطقی برای دفاع از ارتکاب جرم. عوامل عینی و بیرونی در برگیرنده مواردی است مانند از هم‌گسیختگی خانواده، طرد اجتماعی، بیکاری و از دست دادن شغل و درآمد، افزایش دوستی با بزهکاران و پیدا کردن گروه‌های مرجع جدید، و آموزش و یادگیری فنون ارتکاب جرم.

بخشی از این عوامل منافع را افزایش می‌دهد و بخشی دیگر از هزینه‌های ارتکاب جرم می‌کاهد. در مجموع، می‌توان مدعی شد که زندان از جهات مختلف ممکن است موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم شود، زیرا زندان ممکن است شکاف میان حقوق موضوعه و حقوق اشرافی یا شهودی را تشدید کند، شکاف میان اهداف و ابزار مشروع را افزایش دهد، موجب تغییر در گروه‌های مرجع و وابستگی‌های فرد به دیگران، اعم از وابستگی‌های فکری و اخلاقی (دانش‌ها، باورها و ارزش‌ها) و وابستگی‌های رابطه‌ای و مادی شود، موجب برچسب اجتماعی شود، و خلاصه در هر سه حوزه حقوقی، اجتماعی و روان‌شناختی در زندان تأثیر بگذارد و «موقعیت» فرد را برای ارتکاب جرم معینی تغییر دهد.

این ملاحظات را می‌توان در شمای کلی صفحه بعد نشان داد.



روش تحقیق و متغیرها

در این مطالعه، که در ۷ زندان بزرگ کشور، با جامعه آماری حدود ۲۴۰۰۰ نفر در دو بخش زنان و مردان انجام شده است برای دستیابی به نتایج قابل قبول از شیوه‌های مشاهده مشارکتی، مقایسه زوجی، گروه سنجی، تحلیل محتوا و در نهایت مطالعه‌ای پیمایشی با نمونه ۵۹۶ مرد و ۳۴۴ زن استفاده شده است.

متغیرهای بررسی عبارت‌اند از:

الف) متغیرهای مربوط به زندان

نظام تفکیک و طبقه‌بندی، امکانات زندان (فوق برنامه، مددکاری، ملاقات بهداشتی، غذایی، سکونتی) و نظام مدیریتی زندان (مدیریت ارشادی و مدیریت اقتدارگرایی و مقررات‌گری).

ب) متغیرهای فردی مربوط به زندانی

جنسیت، سن، محل سکونت، سواد، تعداد فرزندان، درآمد، ثروت، وضع تأهل، رخداد طلاق در زندگی، داشتن ملاقاتی، گرفتن کمک مالی از بیرون زندان، وضع فعالیت و وضع شغلی.

ج) متغیرهای جرمی مربوط به زندانی

مقایسه نوع جرم اول و فعلی، کیفیت جرم اول و فعلی، شراکت در ارتکاب جرم اول و فعلی، وضع قضایی فرد، سابقه، مدت حبس تحمل شده و وضع اعتیاد.

و) متغیرهای عینی تأثیر زندان

از هم‌گسیختگی خانواده (طلاق، روابط مادی و معنوی با خانواده، طرد خانوادگی) یادگیری جرایم (انتقال جرایم، ارتقای کیفیت جرم، یادگیری شگردهای جرم و حیل قانونی) اشتغال (از دست دادن شغل، آینده شغلی) و طرد اجتماعی.

ه) متغیرهای ذهنی تأثیر زندان

توجه‌گرایی و تغییر در ارزش‌های اجتماعی، دیدگاه درباره دستگاه قضایی، دیدگاه درباره قانون و کاهش تأثیر بازدارندگی زندان.

تأثیر زندان در مردان

زندانیان مرد به نسبت بیشتری در گروه سنی ۲۵-۳۹ سال‌اند و در میان آنان نسبت مشاهده شده از ساکنان شهرها و مجردها از نسبت مورد انتظار بیشتر است. متغیرهای وابسته مربوط به هر کدام از آنها بر اثر زندان مواجه با تغییراتی شده که

خالص هزینه و منافع ارتکاب احتمالی مجدد جرم را تغییر داده است.

الف) تأثیر طلاق در روابط خانوادگی

روابط رگرسیونی نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل مؤثر در وقوع یا تقاضای طلاق از مردان زندانی سابقه‌دار بودن آن‌هاست. هرچه مرد سابقه‌دارتر می‌شود، احتمال وقوع طلاق برای او افزایش می‌یابد، اما امکانات مددکاری زندان به کاهش احتمال وقوع طلاق زندانی کمک می‌کند. به علاوه، با افزایش تعداد فرزندان مرد، امکان طلاق کمتر می‌شود. وجود بیکاری یا اطلاع دادرسی احتمال طلاق را بیشتر می‌کند. اما نتایج نشان می‌دهد که، به جز در جرم قتل، در بقیه جرایم طلاق در اولین مرتبه به زندان افتادن بسیار به ندرت رخ می‌دهد و فقط در صورت تکرار جرم است که در روابط خانوادگی مرد تأثیر می‌گذارد.

به طور کلی، برای بیشتر از ۲۰ درصد مردان متأهل موجود در زندان حداقل یک‌بار طلاق رخ داده است که کمتر از یک‌سوم این طلاق‌ها قبل از اولین زندان و بیش از دو سوم آن‌ها پس از اولین زندان وقوع یافته است.

در مجموع، می‌توان گفت که مردان زندانی در برابر طلاق آسیب‌پذیرترند، در حالی که زنان بیشتر به دلیل وقوع طلاق در زندگی است که به سوی ارتکاب جرم کشیده می‌شوند و نه برعکس.

ب) روابط مادی و معنوی با خانواده

سابقه‌دار بودن مرد عامل اصلی کاهش روابط مادی و معنوی مرد زندانی با خانواده‌اش نیز هست. سارقان و معتادان و کم‌سوادترها بیشتر با این مشکل مواجه‌اند. بیش از ۲۶ درصد زندانیان اصولاً ملاقات‌کننده‌ای ندارند، اما تقریباً به همین نسبت هم زندانیانی هستند که تمامی بستگان درجه یک آنان به ملاقاتشان می‌آیند. ملاقات‌های بقیه را فقط یکی دو نفری از بستگان درجه یکشان تشکیل می‌دهد.

ج) طرد خانوادگی

بیش از نیمی از مردانی که به زندان آمده‌اند، اولین باری که آزاد شده‌اند در برخورد خانواده با خودشان با تغییری مواجه نشده‌اند، ولی بیش از چهل درصد آنان پس از اولین آزادی با بی‌اعتنایی یا طرد از خانه مواجه شده‌اند.

طرد خانوادگی برای افرادی که باسوادترند بیشتر رخ می‌دهد، اما کارفرمایان و مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی، پس از اولین زندانی شدن، کمتر با طرد خانوادگی مواجه شده‌اند.

د) اشتغال

تعداد بیکاران در میان زندانیان بیش از نسبت مورد انتظار آنان در جامعه است. تحول اصلی در وضعیت شغلی زندانیان را در کسانی می‌توان دید که بیشتر از گروه شغلی مزد و حقوق‌بگیر

بخش خصوصی و کارکنان مستقل اند، زیرا بیش از ۲۵ درصد زندانیانی که حداقل یکبار زندان را تجربه کرده اند، بر اثر زندان شغل خود را از دست داده اند. اما باید توجه داشت که نسبت حقوق بگیران بخش دولتی ۳۰ درصد از نسبت مورد انتظار است. با این حال، افراد به سوی مزد و حقوق بگیري از بخش خصوصی کشیده می شوند که این خود هزینه ارتکاب مجدد جرم را کاهش می دهد.

عوامل اصلی مؤثر در این متغیر مدت حبس و سواد و اشتغال به صورت مزد و حقوق بگیري بخش خصوصی است که با افزایش هر کدام از دفعات از دست دادن شغل بر اثر زندان بیشتر می شود. زندان موجب می شود که زندانی پس از آزادی به سوی مشاغل گرایش یابد که حساسیت کمتری در مقابل زندان داشته باشند و همین به معنای کاهش هزینه ارتکاب مجدد جرم است.

ه) تغییر ارزش های اجتماعی

همان گونه که اشاره کردیم، عقیده پیدا کردن به ارزش های اجتماعی متفاوت با معیارهای مرسوم جامعه و نیز اکتساب گزاره هایی برای توجیه عمل مجرمانه خویش در زندان چیزی است که در میان زندانیان چشمگیر است. این در درجه نخست با نوع جرم ارتباط دارد. در سارقان و سپس زندانیان مربوط به مواد مخدر چنین تغییراتی بیشتر مشهود است. در کسانی هم که برای اولین بار به دلایل خلافی به زندان می روند تمایل بیشتری به توجیه گرایی و تغییر در ارزش ها دیده می شود، افراد باسوادتر چنین گرایشی را کمتر در زندان از خود بروز می دهند.

و) دیدگاه نسبت به دستگاه قضایی و قانون

با افزایش سواد، بدبینی نسبت به دستگاه قضایی و قانون بیشتر می شود. در عوض، فراهم آمدن امکانات ملاقات و فوق برنامه از این بدبینی می کاهد.

ز) کاهش تأثیر بازدارندگی مجازات زندان

کاهش تأثیر بازدارندگی زندان با سواد زندانی رابطه معکوس دارد. در مقابل، این کاهش برای سابقه داران و معتادان و سارقان بیشتر اتفاق می افتد و این به معنای کاهش هزینه زندان در ارتکاب مجدد جرم برای این گروه است.

ح) تغییر در جرایم و کیفیت ارتکاب آنها

حدود ۷۵ درصد زندانیان بار دوم نیز به همان اتهام بار اول به زندان می افتند. در اتهامات بار دوم، گرایش زندانیان به جرایم مالی و سرقت بیشتر می شود و زندانیان مربوط به جرایم خشونت و خلاف در مراحل بعد به سوی جرایم دیگر، مثل جرایم مالی و سرقت، گرایش پیدا می کنند.

در مورد کیفیت جرایم ارتكابی مطالعات نشان داده که در دو جرم سرقت و مواد مخدر، کیفیت جرایم ارتكابی در دفعات بعدی ارتقا می‌یابد، ولی مسئله مهم این است که اصیل‌ترین ارتقای کیفیت نسبت به مرتبه اول در مرتبه دوم رخ می‌دهد و در مراحل بعدی تفاوت چندانی نمی‌کند.

نکته مهم دیگر این است که افراد سابقه‌دار اولین ارتكاب جرمشان را با کیفیت پایین‌تری شروع کرده‌اند و این بدان معناست که با یادگیری حیل‌های قانونی و شگردهای ارتكاب جرم، و نیز آشنایی با افراد جدید، منافع ارتكاب جرم برای این افراد به سرعت افزایش یافته و آنان را برای ارتكاب مجدد جرم در موقعیت بهتری قرار داده است.

ط) یادگیری شگردها و حیل‌های قانونی برای فرار از مجازات

مهم‌ترین چیزهایی که زندانیان یاد می‌گیرند، در درجه اول، به مصرف و خرید و فروش مواد و چگونگی حمل و نقل و پنهان کردن آن و در مرحله بعد به موضوعات مربوط به انواع سرقت و «آب کردن» اجناس دزدی مربوط می‌شود. البته، مجرمان، برحسب نوع جرم خود، بیشتر متمایل به یادگیری شگردهای ارتكاب جرم بدون مجازات‌اند. یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که افزایش آن موجب کاهش این نوع یادگیری می‌شود، امکانات ملاقات است.

تأثیر زندان در زنان

به‌طور کلی، بیشتر زنان زندانی حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند و از گروه‌های سنی ۳۰ سال به بالاترند. بیشتر آن‌ها از مناطق شهری‌اند و عموماً بی‌سواد یا کم‌سواد هستند. به‌طور متوسط، ۳/۱ فرزند دارند، و حدود ۱۱ برابر بیش از زنان دیگر شاغل‌اند. مشاغل آن‌ها، مشاغل سخت یدی مثل کارگری و کشاورزی است. بیشترین جرایم آن‌ها، به ترتیب مواد مخدر، ۶۰ درصد و سپس منکرات، ۲۳ درصد است.

الف) طلاق و روابط خانوادگی

در مورد زنان، طلاق نسبت به جرم عموماً حالت متغیر مستقل دارد. بیش از ۳۵ درصد زنان زندانی در زندگی خود با طلاق مواجه شده‌اند و از این میان ۷۶ درصد آنان قبل از آمدن به زندان مطلقه بوده‌اند و فقط ۲۴ درصد آن‌ها را شوهرانشان، پس از زندانی شدنشان، طلاق داده‌اند. در مجموع، می‌توان گفت که نخست زنان جوان‌تر، به هنگام وقوع جرم به محض زندانی شدن با احتمال طلاق مواجه می‌شوند و سپس زنان معتاد و متهمه به روابط نامشروع با چنین پدیده‌ای روبه‌رویند.

حدود ۱۴ درصد زنان یا نگران حفظ وضعیت پیشین خود در خانواده هستند یا از آن

گریزانند. این در مورد مجرمان منکراتی و زنان جوان تر بیشتر مصداق دارد. مشکلی که برای زنان زندانی وجود دارد این است که نزدیک به ۴۰ درصد آنان ملاقات کننده ندارند، و ملاقاتی کمتر از ۲۰ درصد آن‌ها از اکثر بستگان درجه یکشان تشکیل شده است. سرپرستی فرزندان بیش از ۲۰ درصد زنان زندانی به خویشاوندان آن‌ها یا دولت منتقل شده و به همین نسبت نیز سرپرستی آنان با تغییرات در درون خانواده مواجه بوده است. در بقیه موارد تغییری در سرپرستی وجود نداشته است. در بیش از ۳۴ درصد موارد، زندانی شدن مادر در تحصیلات فرزندان، به صورت ترک تحصیل همه یا تعدادی از آن‌ها، تأثیر داشته است. عامل مؤثر در این امر سابقه دار بودن شوهر است که موجب تأثیرات بیشتر در وضع تحصیلی فرزندان می‌شود، به علاوه، امکانات مددکاری و دادیاری زندان به کاهش این تأثیرات کمک می‌کند. ترک تحصیل فرزندان زنان زندانی ساکن شهر بیشتر است.

ب) طرد اجتماعی و خانوادگی

حدود ۵۴ درصد پاسخ‌گویان، پس از اولین بار آزادی، از طرف اقوام و آشنایان یا طرد شده‌اند یا با بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی آن‌ها روبه‌رو شده‌اند، یا تصور می‌کنند که پس از آزادی با چنین وضعی مواجه خواهند شد. این درصد برای دوستان و آشنایان به حدود ۴۰ درصد کاهش می‌یابد، معتادان بیش از دیگر مجرمان از طرف دوستانشان طرد شده یا احتمال طرد شدن دارند.

ج) اشتغال

بیش از ۳۷ درصد زنان شاغل مزدبگیر، پس از اولین بار آزادی از زندان، یا بیکار شده‌اند یا ناچار شده‌اند که شغل خود را تغییر دهند. در نتیجه بیشتر آنان به سوی مشاغلی روی آورده‌اند که ویژگی خوداشتغالی دارد و با عنوان کارکن مستقل شناخته می‌شود. طبعاً، چنین مشاغلی موجب کاهش هزینه ارتکاب مجدد جرم می‌شود.

د) تغییر در جرایم و کیفیت ارتکاب آن‌ها

کیفیت ارتکاب جرم در دفعات دوم و سوم به نسبت بار اول افزایش یافته است، نسبت تغییر جرم در زنان کمتر از مردان است و حدود ۸۷ درصد زندانیان در دفعات بعد همان جرمی را مرتکب می‌شوند که در دفعه اول مرتکب شده‌اند. ولی، در مجموع، جرم سرقت در زندان جذابیت بیشتری برای گرایش یافتن زندانیان دیگر به آن دارد.

ه) یادگیری شگردها و حیل‌های قانونی برای فرار از مجازات

با افزایش مدت حبس و سابقه و سواد نزد زنان میزان یادگیری شگرد جرایم و حیل قانونی افزایش می‌یابد. ولی اعمال مدیریت ارشادی در زندان موجب کاهش در یادگیری این امور است.

و) کاهش تأثیر بازدارندگی مجازات زندان

بهبود امکانات غذایی از تأثیر بازدارندگی مجازات زندان کم می‌کند، همچنین افزایش مدت حبس و تعدد سابقه نیز تأثیر مشابه دارد. بازدارندگی مجازات زندان برای معتادان کمتر از دیگر مجرمان است.

ز) دیدگاه نسبت به قانون و دستگاه قضایی

با افزایش مدت حبس و میزان سواد، زنان نسبت به قانون و دستگاه قضایی بدبین‌تر می‌شوند. به علاوه، افزایش طول مدت بازداشت نیز موجب بدبینی بیشتر به این دو مقوله است.

ح) تغییر در ارزش‌های اجتماعی

به طور کلی، در اهداف و ارزش‌های اجتماعی زندانیان معتاد تغییرات بیشتری پدید می‌آید. این تغییرات با افزایش طول مدت حبس بیشتر می‌شود. همچنین در اهداف و ارزش‌های اجتماعی مجرمان مالی و ساکنان روستا تغییرات کمتری پدید می‌آید. نکته اساسی این‌که تغییرات در حوزه ارزش‌ها و اهداف بیشتر به تغییرات عینی در زندگی وابسته است. به عبارت دیگر، زندانیانی که شگردهای ارتکاب جرایم و حیل قانونی را بیشتر یاد گرفته‌اند یا بیشتر مورد طرد خانواده قرار گرفته‌اند، در حوزه ارزش‌ها و اهداف نیز تغییرات بیشتری نسبت به معیارهای جامعه از خود بروز داده‌اند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، می‌توان گفت که مطالعه حاضر مؤید چارچوب مفهومی انتخابی آن است. به این معنا که ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم به شکل مشهودی به موقعیت و ارزیابی هزینه و فایده فرد نسبت به آن وابسته است. از آن‌جا که زندان، به عنوان اصلی‌ترین مجازات، یکی از اقلام عمده و رسمی هزینه ارتکاب جرم است و در کنار آن هزینه‌های دیگر مثل از دست دادن شغل یا موقعیت شغلی، طرد اجتماعی و... وجود دارد، می‌توان گفت که در اولین مرتبه زندانی شدن فرد، بخش قابل ملاحظه‌ای از این هزینه پرداخته می‌شود و برای دفعات بعد، از هزینه‌های ارتکاب مجدد جرم کاسته می‌شود. به علاوه، حضور در زندان ممکن است منافع ارتکاب مجدد جرم را برای زندانی افزایش دهد، زیرا با یادگیری شگردهای ارتکاب جرم، بدون مجازات قانونی، آشنایی با افراد جدید و راه‌های فرار از مجازات امکان‌پذیر است.

چگونگی تأثیرات فوق بستگی به عوامل متعددی از جمله محیط زندان، نوع مدیریت، امکانات داخلی زندان و متغیرهای فردی دارد. برخی از این متغیرها عموماً تأثیرات مثبت و در

جهت هم‌نوایی با جامعه در زندانی می‌گذارد، مثل امکانات مددکاری، ملاقات، مدیریت ارشادی و... برخی دیگر، برحسب موقعیت زندانی، در وی تأثیرات مثبت یا منفی دارد، مثل امکانات فوق برنامه و امکانات غذایی، و انواع طبقه‌بندی‌ها...

همچنین به نظر می‌رسد که استفاده از یک محیط معین با نتایج مشترک به نام زندان برای تمامی جرایم درست نباشد، به‌ویژه در مورد زندانیانی که جرایم آن‌ها کوچک است، یا در مرز خلاف و جرم قرار دارد. با اطمینان، می‌توان گفت که بیشترین افزایش در کیفیت جرم ارتكابی پس از اولین بار زندانی شدن برای این گروه رخ می‌دهد.

ورود به زندان موجب بدتر شدن سطح زندگی نیز می‌شود، به همین دلیل، برای افرادی با سطح زندگی پایین‌تر، منافع ارتکاب جرم معین نسبت به قبل افزایش پیدا می‌کند. زندان به عنوان یکی از شیوه‌های مجازات و مقابله با جرم از لحاظ تعامل با مجرم نوعی فرایند تجمعی محسوب می‌شود. در این فرایند ستانده‌های نظام دارای آثار برگشتی در این نظام است و سبب تشدید مشکلاتی می‌شود که برای حل آن‌ها ایجاد شده است. مثلاً، مردان مجرد، به علت تحمل هزینه کمتر، بیشتر مرتکب جرم می‌شوند. در عین حال، ارتکاب جرم و زندانی شدن مرد مجرد موجب طرد اجتماعی وی می‌شود و احتمال ازدواج مطلوب را برای او کم می‌کند. حتی در مواردی مشاهده شده که ازدواج‌های از قبل تعیین شده نیز بر اثر زندانی شدن فرد لغو گردیده است. در نتیجه، چنین فردی اجباراً دوران بیشتری را در حالت مجرد به‌سر خواهد برد که همین خود سبب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم خواهد شد.

تأثیر زندان در پذیرش خرده‌فرهنگ مجرمانه از طرف زندانی نسبتاً قابل توجه است، اگرچه این موضوع تا حدود زیادی ناشی از تغییراتی است که در حوزه‌های عینی مانند طرد اجتماعی یا از دست دادن شغل حاصل می‌شود.

طرد اجتماعی نیز از جمله هزینه‌های غیررسمی است که گریبان فرد مجرم و زندانی را می‌گیرد و هرچه این طرد قوی‌تر باشد، امکان ارتکاب جرم را کم می‌کند. ولی مشکل از آنجا ناشی می‌شود که طرد مجرمان موجب کاهش هزینه و افزایش منافع ارتکاب مجدد جرم نزد آنان می‌شود. از دست دادن شغل، پس از آزادی از زندان، نیز چنین وضعیتی دارد. زندانیان آزاد شده به علت بیکاری گرایش بیشتری به ارتکاب مجدد جرم می‌یابند. ضمن این‌که، در صورت پیدا کردن شغل، ویژگی‌های شغل آنان به گونه‌ای است که حساسیت زیادی نسبت به زندان رفتن ندارند و همین باعث کاهش هزینه ارتکاب جرم می‌گردد.

در مجموع، مجازات زندان برای ترکیب کامل دو هدف جلوگیری از ارتکاب جرم از طرف مردم عادی یا تأثیر در مجرم در جهت هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نه تنها میسر

نیست، بلکه در بسیاری از موارد این دو هدف متضاد یکدیگرند. مگر آن‌که تفکیکی جدی میان مجرمان صورت گیرد. با زدن برچسب یکسان «مجرم» به کلیه کسانی که از حدود قانونی تجاوز کرده‌اند، نمی‌توان و نمی‌باید با تمامی آنان برخورد یکسان داشت، بلکه باید مجرمان را به دو گروه تقسیم کرد، گروهی که هدف از مجازات آنان مقدم بر بازپروری آن‌هاست و گروهی که هدف بازپروری مقدم بر مجازات آنان است. چنین تفکیکی نزد پیشینیان نیز بی‌سابقه نبوده است (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۰: ۱۴۱-۱۴۲).

در این صورت، زندان‌های موجود برای گروهی مناسب است که در درجه اول قصد مجازات آنان وجود دارد و برای گروه دیگر باید به فکر اعمال روش‌ها یا مکان‌های دیگری با مقررات کاملاً متفاوت بود، حتی می‌توان برای محیط جدید نامی متفاوت با زندان را برگزید که دارای معنا و مفهوم اجتماعی متفاوتی با زندان باشد. اگرچه این پیشنهاد ممکن است به این معنا باشد که تعیین مجازات براساس مجرم باشد، نه براساس جرم و ممکن است به مفهوم شخصی کردن مجازات باشد و موجبات سوءاستفاده را فراهم آورد (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۵۱).

یکی دیگر از مسائل مهم در زندان‌های ایران تعداد و نسبت زیاد متهمان زندانی است. به عنوان نمونه، در ده ماه اول سال ۱۳۷۶، در میان مردان حدود ۲۸۲ هزار نفر به عنوان متهم و ۱۳۲ هزار نفر به عنوان محکوم وارد زندان‌های کشور شده‌اند، یعنی متهمان حدود ۷۰ درصد کل ورودی‌ها را تشکیل داده‌اند. حال این‌که در این مدت ۲۵۳ هزار نفر از متهمان زندان‌ها یا تبرئه شده‌اند یا منع موقوفی تعقیب (حدود ۱۰ درصد) یا محکوم به غیر از حبس (حدود ۲۵ درصد) یا آزاد با وثیقه یا کفالت (حدود ۵۰ درصد) یا گذشت شاکی (حدود ۶ درصد) یا آزاد به ازای جریمه (حدود ۷ درصد) شده‌اند. به عبارت دیگر، این امکان وجود داشته که اکثر این متهمان را زندانی نکنند تا در مراحل بعد وضعیت آنان روشن شود. این نسبت برای زنان زندانی حدود ۳۵ درصد است. به عبارت دیگر، این امکان وجود داشته که ۳۵ درصد زنان قبل از صدور حکم وارد زندان نشوند. این در نظام کیفری غرب نیز همچون مشکل مطرح شده و شرایط سخت‌تری برای صدور قرار بازداشت موقت و نیز کم کردن مدت این نوع بازداشت پیش‌بینی شده است (گسن، ۱۳۷۱: ۳۰۲).

برای کاهش جرایم و تعداد مجرمان، بسنده کردن به سیاست تشدید مجازات چاره‌ساز نیست، تجربه قوانین مربوط به مواد مخدر در این خصوص کاملاً گویاست و افزایش مجازات از یک حد معین بدون حل مسائل دیگر موجب بی‌اثری آن می‌شود. وانگهی، احتمالاً در ایران کنونی شکاف میان اخلاق با قانون نسبتاً زیاد است. دست‌کم فشارهای ساختاری برای تخطی از قانون به حدی است که جامعه را با بحران مواجه کرده است.

از سوی دیگر، میان عوامل یگانه‌ساز فرد با جامعه، از جمله خانواده، مدارس، رسانه‌ها و محیط‌های شغلی و نهادهای مذهبی... انسجام کافی وجود ندارد. اگرچه حذف کامل جرم و مجرم از جامعه شدنی نیست، چراکه شاید جرم پدیده‌ای بهنجار و حتی به قول دورکیم عاملی از عوامل سلامت عمومی و جزء تفکیک‌ناشدنی هر جامعه سالم باشد (دورکیم، ۱۳۶۸: ۹۰)، ولی مسلم است که تداوم وضع کنونی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، چاره‌ای نیست جز این‌که نظام کیفری جدیدی پایه‌ریزی شود و این خود مستلزم دست یافتن به دیدگاه و وضعیت جدیدی در حوزه‌های سیاست و حکومت است.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۶۳)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، سازمان انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی، جلد دوم.
- آنسل، مارک (۱۳۶۶)، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر راهنما، ۱۳۶۶.
- آنسل، مارک (۱۳۵۶)، *مجازات اعدام*، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، آگاه.
- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۰)، «دفاع اجتماعی یا نظری کوتاه درباره حقوق کیفری» *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، تهران، شماره ۹، صص ۱۷۸-۱۱۹.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۲)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲)، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- عبدی، عباس (۱۳۷۷)، *تأثیر زندان بر زندانی*، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- فتاح، عزت، (۱۳۷۱)، *از سیاست مبارزه با بزهکار تا سیاست دفاع از بزه‌دیده*، ترجمه سوسن خطاطان و علی حسینی نجفی ابرندآبادی، *مجله قضایی و حقوق دادگستری*، تهران، شماره سوم، صص ۸۵-۱۱۲.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *مراقبت و تنبیه (تولد زندان)*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
- کلارکسون (۱۳۷۱)، *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه حسین میرمحمدی صادقی، تهران، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- گسن، ریموند (۱۳۷۱)، *بحران سیاست‌های جنایی کشورهای غربی*، ترجمه علی حسینی نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، تهران، شماره ۱۰، صص ۲۳۷-۲۷۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- ورسلی، پتر (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی مدرن*، حسن پویان، جلد دوم، تهران، چاپخس.
- * * *
- عباس عبدی پژوهشگر مسائل اجتماعی و مؤلف کتاب *تأثیر زندان بر زندانی* است.